

به یاد مجاهد کبیر علامه مرحوم آیه الله آقاسید محمود علانی طالقانی

اصغر فردی

سلولِ تیره، شیرِ پیرِ نیکِ سیره می گفت با خود: تُند مگذر بام و شاما
بگریده خلوت با ایازِ خویش «محمود» بر دل «عَسی أن یبعثک ربُّک مقاما»
در ظلّ ممدود و کنارِ سدرِ مَخضود در غرفه حرفی نشنوی «الا سلاما»
نجوایِ یارب در دلِ شب، نغمه وحی

زیبُ المَحابس، گوئیا موسی بن جعفر چون مه به زندان‌ها و تابنده ز روزن
نُقلُ المجالس بود چون شهنامه نقلِ هنگامه‌های رزم او با قومِ ریمَن
نِعَمُ المؤمنس بود در محبس به هر کس از مؤبد و بطریق و رابی و برهمَن
میرِ اسیران، پیرِ شیران، شمعِ زندان

می کرد مُحی الحیله‌های لَحیه حِلیت در گوشه‌ای فضل وِرا تکذیب و انکار
آن زمره اذکار بر لب لَحیه جُنبان، او غرقِ افکار و ز درد دین دل‌افگار
سی سالِ عمرش در جهادی سخت بگذشت سی سالِ دیگر حبس و نفی و سعی و ایشار
تا از حَضیضِ فرشِ اوجِ عرش بگرفت

گوئی نه سِجن اینجا و نی این مرد محبوس اینجاست گنج گنج و این خواجه است گنجور
گوئی مکینُ العرش و بال افشان به افلاک این پیر ماه و سال و تبعیدی و رنجور
گوئی صباحُ العید و فجر صادق الحال نی شام شوم و بام بوم و لیل دیجور
سور و سرور و رود و عود و ماءِ عنقود

لبریز انوار ربوبی، پرتو وحی سلول تیره، شیر پیر نیک سیره
این مقبر تاریک بر این جسم باریک نی حجره محبس، بر آن حضرت حظیره
قصری مُشعشع این سیه دل بیت الاحزان لیل المُعسعس، شامگاه تار و تیره
با اولیاء اش مجلس أنسی فراهم

بنشسته بر گردش گروهی پا در اغلال بگشوده ابواب الجنان بر آن سیه چال
شیطان به شب شرّ و شغب انگیزد و او گسترده با شور و شعف شولا و شهبال
بگرفته بر زیر ردایش مؤمنین را بگریزد از او ظالم از مهدی چو دجال
گنجد به عطفِ دامن او هفت دریا

پوینده راه حسین و - خاندانش چندی اسیران دیار شام و در بند
خود در حصاری قاری قرآن فرمند سوگند بر پیوند خوردند اهل و فرزند
طفلانِ مُسلم را در آفندند هموند در قصر بن مرجانه زینب را همانند

با خطبه در هم ریخت چار ارکانِ سفیان

او چوب دار خویش را بر دوش می بُرد
 هر کس فرو افتاده در چاهی و جاهی
 آنکه که قومی عَبدِ دینار و دَرَم بود
 او را نه آهی در بساطِ بیش و کم بود
 عمری چو ماهی مشعل افروزی به راهی
 دنیا بر او گاهی به گرداب عدم بود
 قومی به شاهی بنده او در بند شاهی

خواندت خمینی بوذرِ دوران و خوش خواند
 اربابِ اورنگ و ریا و رنگ با تو
 در جانِ تو گوئی تجلی کرده بوذر
 در جنگ واحد بود ای تالی حیدر
 هم کعب الاحباران و هم شاهان از آن رو
 با یاد تو حتی ستیزند و فراتر
 اخلافِ بوجهل و ز آباشان فروتر

در پانزده سالی که بود آن ماه در چاه
 درالهمومی بود شهر و بسته هر در
 او بر شبان تیره مصباح الأُمم بود
 لیک آن همام دین مفتاح الهمم بود
 خود ترجمان و معنی لفظ سیادت
 کف الکرم، غم القمم، ذات العِظَم بود
 طیران نُطقاش رفته تا نه طاقِ عالم

نه او نمرده، سالها پیش اش ربودند
 همواره با اربابِ جور است او گلاویز
 او صاحب السجن است موسی را به لیبی
 همواره در رزم است با مردم فریبی
 باز افکنند او لرزه بر اندام عالم
 با صحیه‌ای افلاکی و بانگ مهیبی
 در بند هم آشفته زو خوابِ طواغیت

او کو به کو و سوبه سو می گردد آفاق	در پویه یاری نهاده سر به صحرا
بوی گلی مستور ازو جویند عشاق	پروانه‌وش بگرفته گرداگرد آن شمع
معشوق از کف دادگانِ مست و مشتاق	مِحت نشان، حسرت نشین چشم انتظاران

بر ره چراغ لاله افروزند و سوزند

در هم شکافد گنبد امنِ جهودی	در غَزّه پشتِ توپ‌ها بنشسته دیدیم
سر داده در جشنِ ظفر بانگِ سرودی	روزی به رام‌الله نماز فتح می‌خواند
افکنده بودی رعشه بر جانِ سعودی	روزی دگر با خطبه‌هایش در مدینه

در هر کران بر عادیانِ ظلم هودی

تحت الحَنک بگشوده در میدانِ تحریر	چون مه کواکب را به پشت سر گرفته
در کوچه‌های کربلا سر داده تکبیر	دیدند روزی «یا حسین» بر جبین داشت
اندر مَنامه پیر می‌غُرید چون شیر	گفتند: تاسوعای امسال اشک ریزان

روزی دگر سوزی دگر در نینوا داشت

او صاحب‌السجن است موسی را به لیبی	نه او نمرده، سال‌ها پیش‌اش ربودند
همواره در رزم است با مردم فریبی	همواره با ارباب جور است او گلاویز
با صحیه‌ای افلاکی و بانگ مهیبی	باز افکنند او لרزه بر اندام عالم

در بند هم آشفته زو خواب طواغیت

در خاک و خون غلطیده‌اش دیدم غروبی
 با تیرِ کینِ سامری در غَزّه می‌مُرد
 در اندکس بر چوبِ دارش می‌کشیدند
 در محبسِ باکو شبی شلاق می‌خورد
 از پشت بسته دستِ خسته بامدادی
 در بوسنه جلادش سویِ اعدام می‌بُرد
 بُردِ یَمان بر تن کشیده در یَمَن بود

امروز یک اُمّت همه دستِ نیازیم
 آغوشِ جان بگشوده سویت طالقانی!
 یأجوج جور اینک شکسته سدّ انصاف
 محتاجِ ذوالقرنین هست اینک جهانی
 لافد زمان و اهلش از مهدی‌ستائی
 لیکن همه دجال‌خویان‌اند و دانی
 ما از خطای خود چنین محکومِ هجریم

در دورهٔ «حَتّی إذِ استیّاسِ رُسل»، ما
 غزلت‌گزین و از عدالت سخت مأیوس
 فرجام بیداری‌است مخموری، فسوسا!
 خوابِ جهانی را مُشوّش کرده کابوس
 بیدادها رانند و فرمان‌ها روانند
 بر چار ارکانِ زمین اصحابِ سالوس
 مُشتی عَبوسِ ظاهرُالاتقاءِ منحوس

آیات شریفه و شرح ابیات مشکله

1. محمود:

اشاره به نام مبارک ممدوحی حضرت آیه‌الله سیدمحمود طالقانی و آیه شریفه:

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (یوسف آیه 79)

و پاسی از شب را زنده دارند و برای تو نافله گذارند امید که خداوندت به مقامی ستوده برساند.

2. در ظل ممدود و کنار سدر مخضود:

اشاره به آیه شریفه:

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لُعْوًا وَلَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا وَسَلَامًا وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ
فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ

در آن لافی بیهوده و گزاف نشنوی و گناهی نبینی. سخنی جز سلام و درود نیست (26) و یاران راست. یاران راست کدامند؟ در [زیر] درختان کنار بی‌خار و درختان موز که میوه‌اش خوشه خوشه بر روی هم چیده است و سایه‌ای گستریده و دامن‌دار.

3. زیب‌المحابس

زینت زندان‌ها که یادآور امام موسی بن جعفر است و آن امام در میان ائمه بیشترین مدت زندان را تحمل کرده است.

4. ریمن

پلید و دغل‌کار

5. نعم‌المؤانس

بهترین همدم شونده.

6. از مؤبد و بطریق و رابی و برهمن

به ترتیب عالمان دینی زرتشتیان - مسیحیان (پاتریک) - یهودیان (رئی) - برهمنیان را گویند.

7. مُحِي الحيله های لِحِيه حَلِيْت

برپادارنده و حیاتخس حيله و کلک که آرایه و زینتشان ریش پرپشت آویخته از آرواره شان است.

8. لِحِيه جنبان

در حال تکان دادن ریش - چانه زدن و سخن گفتن

9. سی سال دیگر حبس و نفی و سعی و ایثار

اشاره به جمیع سالهای حبس و نفی البَلَد (تبعید) ممدوح است که گویا در حدود 29 سال در حبس و تبعید بوده است.

10. ماء عنقود

آب خوشه انگور

11. حظیره

چاردیواری

12. لیل المُعَسَس

اشاره به آیه شریفه والیل اذا عسس (و سوگند به شب در حالیکه برمی گردد و به سحر می گراید). لیل المعسس شبی که به سحر رو می کند.

13. شولا

جامه پشمینه و نم‌دین چوپانان و فقرا - کپنک

14. پوینده راه حسین و خاندانش ...

این بند اشاره به حبس‌های اولاد اناث و ذکور ممدوحی دارد که هر کدام مدتی از عمر را در اسارت گذرانده‌اند چندانکه اولاد و خاندان امام حسین نیز در اسارت به شام و مجلس یزید کشانده شدند و خطبه‌گرائی که خانم زینب کبری در قصر ابن مرجانه (یزید) ایراد فرمود.

15. خواندت خمینی بوذر دوران و خوش خواند

اشاره به عبارت امام خمینی (ره) در تجلیل آیه‌الله طالقانی به هنگام شهادت آن مرحوم که فرمود: او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود.

16. کعب الاحبار

روحانی یهودی اسلام آورده که ابوذر غفاری - صحابی کرام نبی اکرم - بر او تاخت و افشایش کرد.

17. در پانزده سالی که بود آن ماه در چاه

اشاره به سال‌هایی که امام خمینی به نجف رانده شده بود و در تبعید به سر می‌برد.

18. مصباح الامم

چراغ - فانوس امت

19. مفتاح الهمم

کلید اندیشه‌ها

20. کف الکرم، غم القمم، ذات العظم بود

دست دهنده و بخشنده - ابر بارنده بر خشکی‌ها و بیابان‌ها و شنزاران - شخص بزرگی‌ها.

21. او صاحب السجن است موسی را به لیبی

اشاره به ربوده شدن امام موسی صدر به دستور معمر قذافی ملعون و آیه شریفه یا صاحبی السجن أرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار (ای دوستان هم‌زندان! آیا خدایچه‌های پراکنده خوب است یا خداوند یکتای توانمند؟) که حضرت موسی به هم‌زنجیرانش گفت.

22. در پویه یاری نهاده سر به صحرا

به دنبال امام غائب (گل مستور) سر به صحرا زده است.

23. در هر کران بر عادیان ظلم هودی

ستیزه حضرت هود نبی بر علیه قوم ستم‌پیشه عاد.

24. چون مه کواکب را به پشت سر گرفته

تمثیل و تجسم پیشنمازی ممدوحی و اقتداء مأمونین که به کواکب تشبیه شده‌اند.

25. تحت الحنک

نوک عمامه که هنگام اقامه نماز می‌گشایند و بر شانه می‌اندازند.

26. منامه

پایتخت بحرین

27. در اندلس بر چوب دارش می‌کشیدند. . .

اندلس (اسپانیا) - باکو (پایتخت آذربایجان - بوسنی و هرزگوین -

28. بُرد یمان بر تن کشیده در یمان بود

برد یمانی قماشی است که در یمان تولید می‌شود و در تکفین رجال به کار می‌رود.

29. یا جوج جور اینک شکسته سد انصاف

اشاره به آیه شریفه:

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَيَّ
أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا كَهْفِ آيَةِ 94

گفتند ای ذوالقرنین مأجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می کنند آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی؟

30. در دوره «حتی اذ استیأس رسل» ما

اشاره به آیه شریفه‌ای است که در آن از مایوس شدن حتی پیامبران هم سخن می‌رود.

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا
عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

تا هنگامی که پیامبران مایوس شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان واقعا دروغ گفته شده یاری ما به آنان رسید پس کسانی را که می‌خواستیم نجات یافتند اما عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد (110)

31. فرجام بیداری است مخموری فسوسا

اشاره به عاقبت انقلاب‌های اخیر مسلمانان افریقا و کشورهای عربی است که باز ناصالحان بر سر کار می‌آیند.